



می گفت: گروه‌ها را باید با پیروی از ولایت فقیه بشناسید

می گفت: برادران جبهه‌ای می‌دانند؛ خمپاره، توپ و ... گلوله‌هایش خرج می‌خواهد، چند کیلو باروت باید باشد که منفجر بشود و این گلوله‌ها را به چند کیلومتری پرتاب کند. انقلاب ما خرج می‌خواهد تا به اقصی نقاط جهان برود و خرجش، این شهادت‌هاست.



خمپاره، توپ و ... گلوله‌هایش خرج می‌خواهد، چند کیلو باروت باید باشد که منفجر بشود و این گلوله‌ها را به چند کیلومتری پرتاب کند. انقلاب ما خرج می‌خواهد، تا به اقصی نقاط جهان برود و خرجش، این شهادت‌هاست. این شهادت‌ها به امواج انقلاب گسترش بیش تری می‌دهد و آن را جلو می‌برد... قرارگاه عملیاتی در منطقه مهران برای عملیات کربلای یک تشکیل شده بود. ایشان به قرارگاه آمدند و پیگیر کارها شدند، شب هرچه دنبال او گشتم پیدایش نکردیم. خبردار شدیم رفته‌اند به خط مقدم. فردای آن روز قرار بود به اهواز بروند. پیگیر شدیم برایش ماشین جور کنیم. تا هماهنگ شود، وقت برد. او را ندیدیم، بعدها فهمیدیم با پای پیاده خود را به جاده مهران - دهلران رسانده و با ماشین‌های عبوری به اهواز رسیده بودند.

کنند. در زندان، سوره یوسف(ع) را خیلی تلاوت می‌کرد و متوسل به امام زمان(عج) می‌شد. در زیر پتو در عزای اباعبدالله الحسین(ع) اشک می‌ریزد. او را به ۵ سال زندان محکوم کرده بودند، همیشه می‌گفت: من به واسطه انقلاب آزاد شده‌ام و چند سال به این انقلاب بدهکارم. می‌گفت: اگر می‌خواهید گروه‌ها و دسته‌ها را بشناسید و ببینید کدام از ولایت فقیه بهتر پیروی می‌کند، وقتی موضع گروه‌ها را نسبت به ولایت فقیه می‌پرسیم می‌گویند؛ ما امام را تأیید می‌کنیم! [باید گفت]؛ خوب مارکیست‌ها هم که امام را تأیید می‌کردند! و همچنین منافقین و ... برای شناخت خط امام از دیگران باید ببینیم کدام از امام تقلید می‌کند و تابع و پیرو مجتهد فقیه است نه فقط تأیید کردن باشد. می‌گفت: برادران جبهه‌ای می‌دانند؛

روحانی خط مقدم جبهه‌ها، جانشین نماینده امام در یگان‌های رزمی و قرارگاه خاتم انبیاء(ص) متولد اصفهان، در خانه‌ای از دوستان در اهل بیت(ع) به دنیا آمد. پدر بزرگ شیخ عبدالله روحانی بود. مادرش هم در خانواده‌ای متدین زندگی کرد و مدتی هم به دروس حوزوی اشتغال داشت. مادرش با «بسم‌الله» شیر در دهان او می‌گذاشت. نامش را با تفاعل به قرآن انتخاب کردند. (قال إني عبدالله أتاني الكتاب وجعلني نبياً، مریم / ۲۰)

سال ۱۳۵۴ ساواک در پی دستگیری او به مدرسه علمیه حقانی یورش می‌برد، وی و دوستانش را به کمیته ضد خرابکاری تهران منتقل می‌کنند و مورد شکنجه قرار می‌دهند. او را با یک کمونیست هم سلول می‌کنند تا در آب و غذای عبدالله شبهه درست